

پیش‌بینی مؤلفه‌های عشق‌ورزی براساس طرحواره جنسی با واسطه‌گری

تعهد مذهبی در زنان و مردان شهر اصفهان

ابراهیم قنبری^{۱*}، هانیه معتمدی^۲، نرگس حیدریان فر^۳ و ژاله رفاهی^۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۶

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۹

چکیده

هدف از این پژوهش پیش‌بینی مؤلفه‌های عشق‌ورزی براساس طرحواره جنسی با واسطه‌گری تعهد مذهبی در زنان و مردان شهر اصفهان بود. این مطالعه توصیفی-تحلیلی به روش همبستگی از نوع تحلیل مسیر انجام شد. آزمودنی‌ها در این پژوهش ۳۲۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و به پرسش‌نامه مثلث عشق (Triangle, 1994)، آزمون تعهد مذهبی (Vrtygton test, 2003) و مقیاس طرحواره‌های جنسی مردان و زنان (Anderson et al., 1999) پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها افزون بر روش‌های توصیفی (میانگین و انحراف معیار) از ضریب همبستگی و تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار AMOS-16 برای برازش مدل فرضی استفاده شد. نتایج پژوهش نشان دادند که در مورد زنان رابطه طرحواره‌های جنسی بر ابعاد عشق با نقش واسطه‌ای تعهد مذهبی نشان می‌دهد که متغیر طرحواره جنسی با اثر مستقیم ۰/۰۵ بر ابعاد عشق اثر معنادار ندارد، ولی با اثر غیرمستقیم تعهد مذهبی، طرحواره‌های جنسی زنان به مقدار ۰/۰۶۶ بر ابعاد عشق اثر معنادار دارد. در حالی که در گروه مردان رابطه طرحواره جنسی بر ابعاد عشق با نقش واسطه‌ای تعهد مذهبی نشان می‌دهد که متغیر طرحواره جنسی با اثر مستقیم ۰/۱۰ بر ابعاد عشق و هم‌چنین، با اثر غیرمستقیم تعهد درونی، طرحواره جنسی مردان نیز به مقدار ۰/۲۲ بر ابعاد عشق اثر معنادار ندارند. با توجه به نتایج پژوهش نتیجه گرفته می‌شود که در ارتباط بین مؤلفه‌های عشق بر طرحواره‌های جنسی

^۱ - کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، گروه مشاوره مرودشت، ایران و کارشناس پیشگیری اداره بهزیستی شهرستان فسا. فارس.

^۲ - کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، گروه مشاوره مرودشت، ایران.

^۳ - کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

^۴ - گروه مشاوره، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

*- نویسنده مسئول مقاله: e.gh256@yahoo.com

تعهد مذهبی در گروه زنان نقش واسطه‌ای ایفا می‌کند در حالی که در مورد گروه مردان این ارتباطها یافت نشد.

واژه‌های کلیدی: مؤلفه‌های عشق، طرحواره‌های جنسی زنان، طرحواره‌های جنسی مردان، تعهد مذهبی.

پیشگفتار

در سال‌های جوانی افراد نه تنها با بحران و چالش روبه‌رو می‌شوند بلکه عشق را نیز تجربه می‌کنند و می‌خواهند که دوست داشته شوند. عشق، یکی از سازه‌های روان‌شناسی است (Bersheid, 1988). به نقل از (Engel, Olson & Patriak, 2002). به عنوان یک مفهوم انتزاعی، عشق معمولاً برای نشان دادن طیفی گسترده از احساسات و عواطف انسانی از احساسات ساده لذت تا منکوب کردن و توجه غیر قابل توصیف نسبت به فرد دیگر به کار می‌رود. بنابراین، عجیب نیست که برای مدت طولانی از زبان شاعران و ترانه‌سرایان در مورد عشق صحبت شده است. با این حال این اصطلاح به گونه‌ای فزاینده در حوزه علوم روانی قرار گرفته است (Griffiths, 2007). با این حال، روان‌شناسان به موضوع عشق از دیدگاه متفاوت با خیلی دیدگاه‌ها شامل بیوشیمی (Emanuele et al, 2006)، روان‌شناسی تکاملی (Buck, 2007)، روان‌کاوی (Gordon, 2006) و الهیات (Tjeltveit, 2006) نزدیک می‌شوند (Ahmetoglu, Swami, & Chamorro-Premuzic, 2010). بتازگی روان‌شناسان بر نقش محوری تفاوت‌های فردی در عشق و کیفیت رابطه، بررسی متغیرهایی مانند جذابیت فیزیکی (Swami, Stieger, Haubner, Voracek, & Furnham, 2009)، تمایلات نگرشی (Feng & Baker, 1994) و هوش احساسی (Zeidner & Kaluda, 2008) تمرکز می‌کنند. یک نظریه از عشق که به اندازه کافی کلی و به فرهنگ‌های گوناگون اطلاق پذیر است (نظریه مثلث عشق) (Steinberg, 1986-1988) می‌باشد. این سوال همیشه مطرح بود که چرا برخی از روابط صمیمانه به موفقیت منجر می‌شوند و برخی با شکست مواجه می‌شوند (Steinberg, 1986). ترجمه (Bahrami, 1388). برای شناخت این روابط استنبرگ به مطالعه عشق پرداخت و تلاش کرد ساختار عشق را بررسی کند. بنابراین، نظریه مثلث عشق را مطرح کرد که براساس این نظریه عشق را می‌توان با توجه به طیفی گسترده از عاطفه‌ها، اندیشه‌ها و انگیزش‌های متفاوت با هم شناخت. (Steinberg, 1988) بر این باور بود که برای تجربه عشق کامل یعنی عشقی که تمام اوصاف عشق را در بر داشته باشد، عشق باید دارای سه مؤلفه باشد؛ یعنی صمیمیت، تعهد و شهوت. "صمیمیت" جزء عاطفی است و شامل احساس نزدیکی و اشتراک احساسات است. "شور، هیجان و

شهوت" جزئی انگیزشی و شامل جاذبه جنسی و احساس شاعرانه «عاشق بودن» است. "تعهد" جزء شناختی و بازتابی است و از نیت شخص خبر می‌دهد که از رابطه پایدار حکایت دارد (به نقل از Ahmetoglu, Swami, & Chamorro-Premuzic, 2010).

با این حال، تجربه عشق مستلزم وسعت احساسات عاطفی، به علت تغییرات مهم در تفکر، احساسات، شخصیت و روابط اجتماعی (Court & Givon, 2003) و افزایش رشد جنسی است (Glasier et. Al, 2006). این تحریکات افراد را به کاوش و آزمایش در مورد تمایلات جنسی، خیال‌پردازی‌ها و واقعیات در یک تلاش برای هم‌ردیف قرار دادن تمایلات جنسی با هویت عمل می‌کند (Santrock, 2008) که این امر به تمایل در شناخت روابط جنسی، فکر در مورد تظاهرات رابطه جنسی و تصور این‌که در رابطه جنسی چگونه عمل کنیم منجر می‌شود (Steinberg, 2007؛ به نقل از Abd Ghania, Mohd Kosnin, Abd Aziz, 2014).

یکی از مسایل بزرگی که بیش از هر چیز زندگی فردی و اجتماعی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، تمایلات جنسی است (Potten, 1986; Emil & Jackie, 2007). بررسی رفتار جنسی، به عنوان یکی از رفتارهای اساسی در زندگی انسان بویژه پس از ازدواج از اهمیت بسیاری برخوردار است. اهمیت این موضوع به این دلیل است که هویت جنسی انسان در حدود سنین ۲-۳ سالگی شکل گرفته و بمنظور بقای نوع بشر و ایجاد آرامش در زندگی تا مرگ تداوم می‌یابد (Westheimer, 2005). از سوی دیگر، به علت این‌که نقش رویدادهای شناختی به عنوان محرک‌های رفتار جنسی مورد تأیید قرار گرفته است؛ افکار، نگرش و ارزش‌های افراد بخشی از مؤلفه‌های مهم رفتار جنسی هستند و از منابع مهم مؤثر بر پاس‌خدهی جنسی بشمار می‌روند. خودطرحواره جنسی به احساس و باور فرد در مورد خود به عنوان یک موجود جنسی شامل افکار، رفتارها و عواطف در مورد بدن یا بخشی از بدن خود است (Klaassen, & Kuile, 2009). طرحواره‌های جنسی باور در مورد این‌که تا چه حد فرد دارای یک ویژگی جنسی است که در فرهنگ او به عنوان یک موجود جنسی تعریف شده است و به احتمال زیاد، با تصور افراد در مورد توانایی خود برای ایجاد یک رابطه صمیمی رضایت بخش مرتبط است (Anderson, & Syranovsky, 1994؛ به نقل از Donaghue, 2009). طرحواره‌های جنسی زنان در دامنه‌ای از مثبت تا منفی قرار می‌گیرند. در حالی که مردان از این نظر به صورت طرحواره دار (دیدگاه مثبت) و بدون طرحواره (دیدگاه منفی) تقسیم می‌شوند. مردانی که طرحواره‌های جنسی رشدیافته و قوی دارند، مایلند که خود را رمانتیک، مقتدر و اشخاص باز و راحتی ببینند و برای فعال بودن از نظر جنسی تلاش می‌کنند. درحالی که مردهای بدون

طرحواره این ویژگی‌ها را در خود سراغ ندارند (Anderson et al, 1999). بتازگی طرحواره‌های جنسی توجه پژوهشگران زیادی را به خود جلب کرده است و پژوهش‌ها نشان می‌دهند که طرحواره‌های جنسی با متغیرهای زیادی در ارتباط می‌باشند (Kring, 2000؛ به نقل از Hill, 2007). اندرسون و سیرانووسکی یک مفهوم از خود طرحواره‌های جنسی توسعه دادند که بازتاب‌کننده این امر است که تا چه حد زنان خود را به عنوان مالک طیفی گسترده از ویژگی‌های شخصیتی می‌دانند که با شرکت در روابط جنسی صمیمی و باز بودن رفتاری نسبت به تجربیات جنسی و برخوردهای جنسی مرتبط است. مهم است که توجه داشته باشید که هیچ یک از ابعاد طرحواره‌های جنسی اندرسون و سیرانووسکی به گونه مستقیم به رفتارها، نگرش‌ها یا تجارب جنسی اشاره ندارد. بلکه آن‌ها شامل کیفیت‌های شخصی هستند که ممکن است افراد را قادر به شرکت در برخی از انواع رفتارها و یا شرکت در برخی از انواع رفتارها می‌کند. اگر چه خود طرحواره‌های جنسی به گونه مستقیم رفتارها و نگرش‌های جنسی را اندازه‌گیری نمی‌کند، اما این ثابت شده است که این طرحواره‌ها با تجارب جنسی، روابط عاشقانه و دلبستگی، تعداد شرکای جنسی، لذت روابط جنسی و تجربه طیفی گسترده از فعالیت‌های جنسی همراه است (Cash, 1998؛ Anderson, & Syranovsky, 1994؛ Williams & Jakatdar, 2004؛ Maikkula et al, 2004؛ به نقل از Pazmany et al, 2013).

از سوی دیگر، در مطالعه‌ای به وسیله (Harvey & Turner, 1987) بیان شده است که نگرش افراد در مورد تمایلات اجتماعی و چشم انداز دینی بر تمایلات جنسی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، به نظر می‌رسد که تعهد مذهبی و دیدگاه دین نسبت به امور جنسی بر رضایت جنسی اثرگذار است (Davidson, 1995) در مطالعات خود دریافتند رابطه معنی‌داری بین مقدار دینداری و سن شروع رابطه جنسی و نگرش نسبت به مسایل جنسی وجود دارد. می‌توان تعهد مذهبی را به دو زیرشاخه تقسیم کرد: تعهد مذهبی درون فردی و تعهد مذهبی میان فردی. تعهد مذهبی درون فردی شامل ارزش‌گذاری فردی به باورهای مذهبی و پایبندی و وفاداری به مقدسات است، درحالی که تعهد مذهبی میان فردی به تمایل رفتاری برای شرکت در فعالیت‌های مذهبی اشاره دارد (Mickley, 1992؛ Soeken, & Belcher, 1992؛ به نقل از Kidwell, 2009). پژوهشگران استدلال کرده‌اند که تعهد مذهبی می‌تواند فرایند بخشش را تحت تأثیر قرار دهد (Worthington, Sandage, & Berry, 2000؛ Worthington, Sandage, & McCullough, 1999). Berry, 2000 پیشنهاد کردند که تعهد مذهبی به دلیل تأکید شایان توجهی که ادیان بزرگ جهان برای بخشش داشته اند، به افراد کمک می‌کند تا با سهولتی بیشتر ببخشند.

کسانی که تعهد مذهبی بیش‌تری دارند به احتمال بیش‌تری از اصول دین پیروی می‌کنند و به احتمال بیش‌تری دیگران را می‌بخشند و همین به بهبود عشق و صمیمیت بین افراد کمک می‌کند (به نقل از Kidwell, 2009). (Koenig, 2007) در پژوهشی نشان داده است که سلامت روانی و جسمانی انسان با زندگی معنوی او رابطه مثبت دارد و افراد که باورهای مذهبی قوی‌تری دارند، سازگاری بهتری با موقعیت‌های زندگی دارند (به نقل از Hicks, & King, 2008). در مطالعاتی (Bellis & Baker, 1993)، (Schwartz, 1993) و (Bassin & Felmlee, Sprecher, 1990) به بررسی تجارب جنسی در زنان و مردان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که مردان در نخستین تجربه جنسی خود نسبت به زنان لذت بیش‌تری را تجربه می‌کند و به احتمال بیش‌تری در نخستین رابطه خود به ارگاسم می‌رسند. پژوهش‌ها (Anderson, & Syranovsky, 1994-1998) نشان می‌دهد که بین طرحواره‌های جنسی زنان و رفتارهای جنسی حال و گذشته آن‌ها رابطه وجود دارد. زنان با خودطرحواره‌های جنسی مثبت تاریخچه جنسی و فعالیت‌های جنسی گسترده‌تری و نیز برخورد و اضطراب جنسی کم‌تری را نسبت به زنان دارای طرحواره منفی ابراز می‌کنند. با توجه به مطالب بیان شده اکنون سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا می‌توان از روی طرحواره‌های جنسی افراد مولفه‌های عشق را پیش‌بینی کرد و این‌که آیا تعهد مذهبی افراد در این میان می‌تواند به عنوان واسطه‌ای بین این دو متغیر عمل کنند؟ تاکنون متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش به وسیله مطالعات بسیاری مورد بررسی قرار گرفته‌اند، اما تاکنون هیچ مطالعه‌ی منظمی ارتباط آن‌ها را باید یکدیگر مورد بررسی قرار نداده است. با توجه به این‌که ارتباط بین متغیرهای مورد مطالعه در هیچ پژوهش معتبری دیده نشده است و مطالعه‌ای به تأثیر ارتباط این متغیرها بر هم نپرداخته است. بنابراین، این فقدان پژوهش در مورد ارتباط متغیرهای مورد مطالعه به خودی خود دلیل فوری برای کشف این موضوع است.

روش پژوهش

این پژوهش یک روش همبستگی از نوع معادلات ساختاری (تحلیل مسیر) است. تحلیل مسیر روشی است برای مطالعه تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل (برون‌زاد) و متغیرهای وابسته یا میانجی (درون‌زاد) است. از تحلیل مسیر برای کشف علت‌ها استفاده نمی‌شود بلکه این روش در مورد مدل‌هایی بکار می‌رود که بر مبنای دانش و ملاحظات نظری تدوین شده باشند (Kerlinger, & Pedhazur, 1982). ترجمه (Saraei, 1388). جامعه‌آماري مورد مطالعه در این پژوهش تمامی افراد متأهل (زن و مرد)

شهر اصفهان بود، که در فاصله زمانی اجرای پژوهش در این شهر ساکن بودند. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۳۲۰ نفر انتخاب و پرسش‌نامه‌ها در میان آن‌ها توزیع شد.

ابزارها

پرسش‌نامه مثلث عشق استنبرگ

پرسش‌نامه مثلث عشق استنبرگ به وسیله (Steinberg, 1986، ترجمه Ganji, 1391) با هدف بررسی و ارزیابی ساختار عشق بر اساس مؤلفه‌های صمیمیت، هوس و تعهد ساخته شد. این پرسش‌نامه شامل ۴۵ سؤال است که سه مؤلفه صمیمیت، هوس و تعهد را در یک مقیاس ۹ درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای بین 1 (اصلاً) تا 9 (به طور کامل) می‌سنجد. هر کدام از سه مؤلفه این پرسش‌نامه شامل ۱۵ سؤال است که کم‌ترین و بیش‌ترین نمره آزمودنی در هر یک از خرده مقیاس‌ها بین ۱۵ تا ۱۳۵ خواهد بود. (Ghamrani, & Sadat jafar tabatabaei, 1385) پایایی پرسش‌نامه مثلث عشق استنبرگ را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲، به دست آوردند. هم‌چنین، روایی پرسش‌نامه مثلث عشق استنبرگ را با استفاده از محاسبه همبستگی مؤلفه‌ها با نمره کل برای سه مؤلفه صمیمیت، هوس و تعهد به ترتیب ۰/۶۶، ۰/۹۲، ۰/۷۷ بدست آوردند ($p=0/001$).

در برخی پژوهش‌ها، پایایی این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تنصیف برای خرده مقیاس‌ها در دامنه‌ای بین ۰/۸۵ تا ۰/۹۷ محاسبه شد. روایی این پرسش‌نامه نیز با استفاده از همبستگی با مقیاس صمیمیت (Waker, & Thompson, 1983) محاسبه شد که ضرایب همبستگی برای خرده مقیاس‌های صمیمیت، هوس و تعهد به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۴۸ و ۰/۵۱ به دست آمد که در سطح $p=0/001$ معنی‌دار است.

پرسش‌نامه تعهد مذهبی

آزمون تعهد مذهبی در سال ۲۰۰۳ به وسیله (Worthington et al) بمنظور سنجش مقدار تعهد مذهبی افراد ساخته شد. پرسش‌نامه تعهد مذهبی دارای دو زیر مقیاس تعهد مذهبی درون فردی (ارزش‌گذاری فردی به باورهای مذهبی و پایبندی و وفاداری به مقدسات) (۶ عبارت؛ ۱، ۳، ۴، ۵، ۷ و ۸) و تعهد مذهبی میان فردی (تمایل مذهبی برای شرکت در فعالیت‌های مذهبی) (۴ عبارت؛ ۲، ۶، ۹، ۱۰) است. این آزمون در مجموع دارای ۱۰ عبارت است که آزمودنی باید در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از ۱ (به هیچ وجه در مورد من صدق نمی‌کند) تا ۵ (کاملاً در مورد من صدق می‌کند) مقدار موافقت یا

مخالفت خود را با هر یک از آن‌ها مشخص سازد. برای بدست آوردن نمره کلی آزمون باید امتیاز همه ۱۰ عبارت را با هم جمع کنید و برای بدست آوردن نمره هر زیر مقیاس باید امتیاز عبارات مربوط به آن زیرمقیاس را با هم جمع کنید.

ضریب آلفای کل آزمون ۰/۹۳، زیر مقیاس تعهد مذهبی درون فردی ۰/۹۲ و زیر مقیاس تعهد مذهبی میان فردی ۰/۸۷ گزارش شده است که حاکی از همسانی درونی مطلوب آزمون است. همچنین، ضریب پایایی پرسش‌نامه تعهد مذهبی با استفاده از روش بازآزمایی در فاصله سه هفته برای کل آزمون ۰/۸۷، زیر مقیاس تعهد مذهبی درون فردی ۰/۸۶ و زیر مقیاس تعهد مذهبی میان فردی ۰/۸۳ بوده است.

بمنظور بررسی اعتبار سازه و ملاکی پرسش‌نامه تعهد مذهبی همبستگی این آزمون با سه معیار: الف) تعهد مذهبی خودگزارشی (اعتبار سازه) ب) مقدار شرکت در مراسم‌های مذهبی و همکاری با نهادهای مذهبی (اعتبار ملاکی) و ج) گزارش فردی از مقدار مذهبی بودن (اعتبار ملاکی) مورد بررسی قرار گرفت. همبستگی پرسش‌نامه تعهد مذهبی با فرم خودگزارشی تعهد مذهبی، مقدار شرکت در مراسم‌های مذهبی و همکاری با نهادهای مذهبی و گزارش فردی از مقدار مذهبی بودن معنادار بود که این امر حاکی از اعتبار ملاکی و سازه آزمون است. همچنین، همبستگی پرسش‌نامه تعهد مذهبی با مقیاس صفات همدلی باتسون حاکی از اعتبار همگرایی این ابزار است.

مقیاس طرحواره جنسی

این پرسش‌نامه به وسیله (Anderson, & Syranovsky, 1994) تهیه شده است و جداگانه دارای فرم زنانه و مردانه است. مقیاس طرحواره جنسی مردان (Anderson, Syranovsky, & Spindle, 1999) از ۴۵ صفت تشکیل شده است. برای مقیاس مردان خرده مقیاس‌ها شامل: پرشور - با محبت، قدرتمند - پرخاشگر، روشنفکر - مترقی است. و فرم زنانه آن شامل: پرشور - رمانتیک، صریح - راحت، خجالتی - محتاط است. آزمودنی باید در یک مقیاس لیکرت ۷ درجه‌ای (از اصلاً: ۰ تا خیلی زیاد: ۶) مشخص سازد که هر یک از این صفات تا چه حد وی را توصیف می‌کند و در شخصیت او نمود دارد. از آنجایی که افراد به گونه آزادانه در مورد مسایل جنسی خود صحبت می‌کنند، ۱۸ صفت به عنوان ماده‌هایی پرکننده در این آزمون بکار رفته‌اند تا ماهیت ویژگی اصلی مورد ارزیابی از دید آزمودنی‌ها پنهان بماند. در پژوهش (moradi organi, 1391) هر فرم بر تعداد دو برابر سوالات اعتبار یابی شد و ضریب آلفای کرونباخ آن در زنان ۰/۷۳ و در مردان ۰/۸۴ است.

یافته‌ها

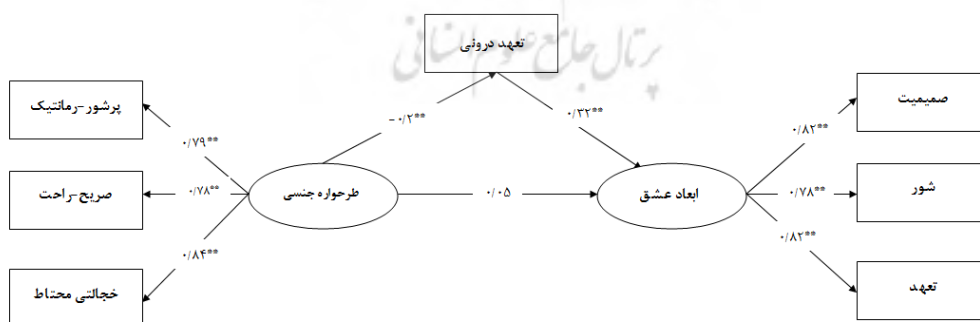
فرضیه نخست: تعهد مذهبی نقش واسطه‌ای معناداری برای مولفه‌های عشق‌ورزی و طرحواره جنسی در زنان ایفا می‌کند.

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد مربوط به متغیرهای ابعاد عشق (صمیمت، شور، تعهد)، طرحواره جنسی زنان (پرشور-رمانتیک، صریح-راحت، خجالتی-محتاط) و تعهد مذهبی در زنان را نشان می‌دهد.

جدول ۱- میانگین، انحراف استاندارد مربوط به مولفه‌های پژوهش برای زنان.

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار
صمیمت	۶/۵۴	۱/۵۹
شور	۶/۰۷	۱/۷
تعهد	۶/۹۹	۱/۶۶
پرشور-رمانتیک	۲/۳	۰/۶۸
صریح-راحت	۲/۱۳	۰/۷۲
خجالتی-محتاط	۲/۰۲	۰/۶۸
تعهد درونی	۲/۳۴	۰/۹۲

تأیید یا عدم تأیید فرضیه‌ها، به وسیله ضرایب استاندارد و سطح معناداری انجام شده است و برای تمام مسیرها ضریب اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطا ۵٪ لحاظ شدند. مقدار مسیرهای ارتباط فرضیه‌ها با استفاده از مدل‌های ساختاری بدست آمده در جدول ۲ آورده شده است.



شکل ۱- مدل تحلیل مسیر برای نقش واسطه‌گیری تعهد درونی زنان برای اثر ابعاد طرحواره جنسی بر ابعاد عشق.

در نمودار ۱، رابطه طرحواره جنسی بر ابعاد عشق با نقش واسطه‌ای تعهد مذهبی نشان می‌دهد که متغیر طرحواره جنسی با اثر مستقیم ۰/۰۵ بر ابعاد عشق اثر معنادار ندارد ولی با اثر غیرمستقیم تعهد مذهبی، طرحواره جنسی زنان به مقدار ۰/۰۶۶- بر ابعاد عشق اثر معنادار دارد.

جدول ۲- ضرایب رگرسیونی استاندارد، نسبت بحرانی و سطح معناداری برای متغیرهای پژوهش برای زنان.

نتیجه	سطح معناداری	نسبت بحرانی	ضریب رگرسیونی استاندارد		
رابطه معنادار وجود دارد	۰/۰۰۰		۰/۸۱۷	صمیمیت	ابعاد عشق <---
رابطه معنادار وجود دارد	۰/۰۰۰	۸/۱۴	۰/۷۸۱	شور	ابعاد عشق <---
رابطه معنادار وجود دارد	۰/۰۰۰	۸/۲۵	۰/۸۱۷	تعهد	ابعاد عشق <---
رابطه معنادار وجود دارد	۰/۰۰۰	۷/۸۰	۰/۷۷۸	صریح-راحت	طرحواره جنسی <---
رابطه معنادار وجود دارد	۰/۰۰۰	۸/۱۹	۰/۸۳۷	خجالتی- محتاط	طرحواره جنسی <---
رابطه معنادار وجود دارد	۰/۰۰۰		۰/۷۸۹	پرشور- رمانتیک	طرحواره جنسی <---
رابطه معنادار وجود دارد	۰/۰۳	-۲/۰۲	۰-۲۰	تعهد مذهبی	طرحواره جنسی <---
رابطه معنادار وجود ندارد	۰/۶۴۶	۰/۴۵۹	۰/۰۵۱	ابعاد عشق	طرحواره جنسی <---
رابطه معنادار وجود دارد	۰/۰۰۲	۳/۱۱۱	۰/۳۲۳	ابعاد عشق	تعهد مذهبی

جدول ۳- شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش برای زنان.

شاخص‌ها	χ^2	Df	χ^2/df	P-value	RMSEA	NFI	CFI	IFI	TLI	GFI	AGFI
مقادیر	۲۳/۵۶	۱۲	۱/۹۶۳	۰/۰۲۳	۰/۰۹	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۹۶	۰/۹۳	۰/۹۴	۰/۸۷

در یک دید کلی از مقادیر جدول ۳، شاخص‌ها، مدل مفهومی پژوهش را تایید نموده و بیان‌گر تناسب مدل هستند و لذا، مدل مورد استفاده از تناسب بالایی برخوردار می‌باشد و نشان می‌دهد که ارتباط بین متغیرهای پژوهش بر مبنای چارچوب نظری صحیحی استوار بوده است.

جدول ۴- اثرات غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش مربوط به زنان.

تعهد مذهبی	ابعاد عشق	تعهد	شور	صمیمیت	صریح-راحت	خجالتی-محتاط	پرشور-رمانتیک
-	-	-	-	-	-	-	-
اثرات	طرحواره جنسی	۰/۰۶۶	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	-	-
استاندارد	غیرمستقیم	-	۰/۲۶۴	۰/۲۵۲	۰/۲۶۴	-	-
تعهد مذهبی	طرحواره جنسی	-	-	-	-	-	-
اثرات	طرحواره جنسی	۰/۲۰۵	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۷۷۸	۰/۷۸۹
استاندارد	کل	-	۰/۳۲۳	۰/۲۶۴	۰/۲۵۲	۰/۲۶۴	-
تعهد مذهبی	ابعاد عشق	-	-	-	-	-	-
اثرات	ابعاد عشق	-	۰/۸۱۷	۰/۷۸۱	۰/۸۱۷	-	-

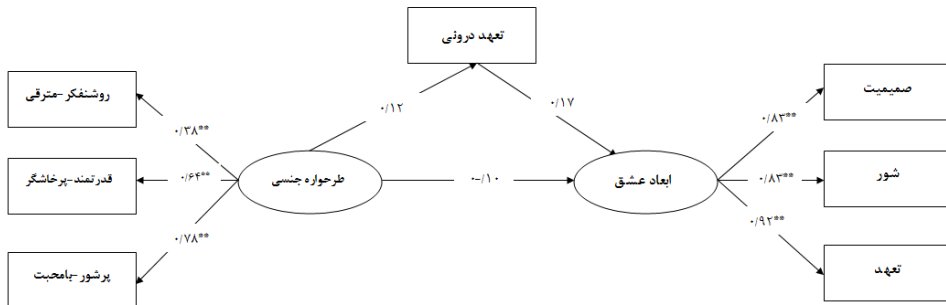
فرضیه دوم: تعهد مذهبی نقش واسطه‌ای معناداری برای مولفه‌های عشق‌ورزی و طرحواره جنسی در مردان ایفا می‌کند.

جدول ۵ میانگین و انحراف استاندارد مربوط به متغیرهای ابعاد عشق (صمیمیت، شور، تعهد)، طرحواره جنسی مردان (پرشور-رمانتیک، صریح-راحت، خجالتی-محتاط) و تعهد درونی در مردان را نشان می‌دهد.

جدول ۵- میانگین، انحراف استاندارد مربوط به مولفه‌های پژوهش برای مردان.

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار
صمیمیت	۶/۶۶	۱/۶۶
ابعاد عشق	۶/۱۶	۱/۵۹
تعهد	۷/۰۴	۲/۰۱
پرشور-بامحبت	۱/۹۳	۰/۷۱
قدرتمند-پرخاشگر	۲/۴۷	۰/۴۵
روشنفکر-مترقی	۲/۳۱	۰/۶۲
تعهد مذهبی	۲/۱۴	۰/۹۸

تأیید یا عدم تأیید فرضیه‌ها، بوسیله ضرایب استاندارد و سطح معناداری انجام شده است و برای تمام مسیرها ضریب اطمینان ۰/۹۵ و سطح خطا ۵٪ لحاظ شدند. مقدار مسیرهای ارتباط فرضیه‌ها با استفاده از مدل‌های ساختاری بدست آمده در جدول ۶ آورده شده است.



شکل ۲- مدل تحلیل مسیر برای نقش واسطه‌گیری تعهد مذهبی مردان برای اثر ابعاد طرحواره جنسی بر ابعاد عشق.

در نمودار ۲، رابطه طرحواره جنسی بر ابعاد عشق با نقش واسطه‌ای تعهد مذهبی نشان می‌دهد که متغیر طرحواره جنسی با اثر مستقیم $0/10-$ بر روی ابعاد عشق اثر معنادار ندارد، همچنین، با اثر غیرمستقیم تعهد درونی، طرحواره جنسی مردان نیز به مقدار $0/22$ بر ابعاد عشق اثر معنادار ندارد.

جدول ۶- ضرایب رگرسیونی استاندارد، نسبت بحرانی و سطح معناداری برای متغیرهای پژوهش برای مردان.

نتیجه	سطح معناداری	نسبت بحرانی	ضریب رگرسیونی استاندارد	متغیر
رابطه معنادار وجود دارد	0/000	10/0	0/83	ابعاد عشق - صمیمیت
رابطه معنادار وجود دارد	0/000	9/325	0/829	ابعاد عشق - شور
رابطه معنادار وجود دارد	0/000	10/0	0/92	ابعاد عشق - تعهد
رابطه معنادار وجود دارد	0/000	0/872	0/872	طرحواره جنسی - پرشور-بامحبت
رابطه معنادار وجود دارد	0/038	2/07	0/639	طرحواره جنسی - قدرتمند-پرخاشگر
رابطه معنادار وجود دارد	0/03	2/02	0/383	طرحواره جنسی - روشنفکر-مترقی
رابطه معنادار وجود ندارد	0/38	0/868	0/12	طرحواره جنسی - تعهد مذهبی
رابطه معنادار وجود ندارد	0/487	-0/695	-0/10	طرحواره جنسی - ابعاد عشق
رابطه معنادار وجود ندارد	0/106	1/617	0/176	تعهد مذهبی - ابعاد عشق

جدول ۷- شاخص‌های برازندگی مدل پژوهش برای مردان.

شاخص	χ^2	Df	df/χ^2	p-	RMSEA	NFI	CFI	IFI	TLI	GFI	AGFI
مقادیر	۱۰/۴	۱۲	۰/۸۶۷	۰/۵۸	۰/۰۰۱	۰/۹۵	۱/۰	۱/۰	۱/۰	۰/۹۷	۰/۹۳

در یک دید کلی از مقادیر جدول ۷، شاخص‌ها، مدل مفهومی پژوهش را تایید نموده و بیان‌گر تناسب مدل هستند. لذا، مدل مورد استفاده از تناسب بالایی برخوردار می‌باشد و نشان می‌دهد که ارتباط بین متغیرهای پژوهش بر مبنای چارچوب نظری صحیحی استوار بوده است.

جدول ۸- اثرات غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش مربوط به مردان.

	تعهد مذهبی	ابعاد عشق	تعهد	تغیر	صمیمیت	پر شور با محبت	قدرتمند- پرخاشگر	روشنفکر- متمرکز		
اثرات استاندارد	-	۰/۰۲۲	-	-۰/۰۷۳	-۰/۰۶۵	-۰/۰۶۶	-	-	طرحواره جنسی	-
غیرمستقیم مذهبی	-	-	۰/۱۶۲	۰/۱۴۶	۰/۱۴۶	-	-	-	تعهد مذهبی	-
اثرات استاندارد کل	-	۰/۱۲۲	-	-۰/۰۷۹	-۰/۰۶۵	-۰/۰۶۶	۰/۶۳۹	۰/۸۷۲	طرحواره جنسی	۰/۳۸۳
اثرات استاندارد کل	-	۰/۱۷۶	-	۰/۱۶۲	۰/۱۴۶	۰/۱۴۶	-	-	تعهد مذهبی	-
	-	۰/۹۲	-	۰/۸۲۹	۰/۷۳	-	-	-	ابعاد عشق	-

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه مستقیم و غیر مستقیم مولفه‌های عشق بر طرحواره‌های جنسی مردان و زنان با بررسی نقش واسطه‌ای تعهد مذهبی بود. یافته‌های پژوهش نشان دادند که در مورد زنان رابطه طرحواره‌های جنسی بر ابعاد عشق با نقش واسطه‌ای تعهد مذهبی نشان می‌دهد که متغیر طرحواره جنسی با اثر مستقیم ۰/۰۵ بر روی ابعاد عشق اثر معنادار ندارد، ولی با اثر غیرمستقیم تعهد مذهبی، طرحواره‌های جنسی زنان به مقدار ۰/۰۶۶ بر ابعاد عشق اثر معنادار دارد. در حالی که در گروه مردان رابطه طرحواره جنسی بر ابعاد عشق با نقش واسطه‌ای تعهد مذهبی نشان می‌دهد که متغیر طرحواره جنسی با اثر مستقیم ۰/۱۰ بر ابعاد عشق، و هم‌چنین، با اثر غیرمستقیم

تعهد درونی، طرحواره جنسی مردان نیز به مقدار ۰/۲۲ بر ابعاد عشق اثر معنادار ندارند. بنابراین، با توجه به نتایج پژوهش به نظر می‌رسد که تعهد مذهبی در ارتباط بین مؤلفه‌های عشق و طرحواره‌های جنسی در گروه زنان نقش میانجی ایفا می‌کند و اثرات این متغیرها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و این روابط را معنادار می‌کند. در حالی که در گروه مردان این اثرات معنادار نشده و به نظر می‌رسد که در این میان تعهد مذهبی نیز هیچ نقش و اثری بر متغیرهای مورد پژوهش نداشته است.

برخی از انسان شناسان و روان‌شناسان اجتماعی گزارش می‌کنند که عشق جهانی است و به فرهنگ خاصی محدود نمی‌شود (De Munck, Korotayev, de Munck, & KHALTOURINA, 2011; Hatfield, & Rapson, 2002; Vangelisti & Perlman, 2006). مطالعات هم‌چنین، نشان دادند که این باور وجود دارد که عشق برای حفظ یک ازدواج لازم است (Acevedo & Aron, 2009; Dion, & Dion, 1993). باورهایی که باید پایه یک ازدواج باشد و عشق واقعی برای همیشه بین دو نفر می‌ماند، دو باور از چند باور در مورد عشق هستند که در یک سیستم باور بزرگ‌تر شناخته شده با عنوان ایدئولوژی عاشقانه قرار دارند

(Sprecher, 2002 & Toro-Morn, Regan, 2012). عشق رمانتیک با نام‌های بسیاری عشق پرشور، عشق شهوانی، اروس و بودن در عشق شناخته شده است (Berscheid, 2010). با توجه به نظر مزلو مبنی بر این که نیاز به عشق یکی از چهار نیاز اساسی بشر (فیزیولوژیک، ایمنی، عشق و احترام) است، نیاز به عشق انسان باید پیش از این که یک شخص به صورت خودخواهانه عمل کند، باید ارضا شود. با این حال، اگر چه اغلب از عشق رمانتیک به عنوان یک احساس صحبت شده است، اما می‌توان آن را به عنوان یک حالت، یا شرایط در نظر گرفت که نسبت به تجربه عاطفی تک، بیش‌تر دوام دارد (Berscheid, 2010). از سوی دیگر، تجربه عشق مستلزم وسعت احساسات عاطفی، به علت تغییرات مهم در تفکر، احساسات، شخصیت و روابط اجتماعی (Court, & Givon, 2003) و افزایش رشد جنسی است (Glazier et al, 2006). فعالیت جنسی و رضایت ناشی از آن به عنوان یکی از اساسی‌ترین ابعاد زندگی انسان مطرح است (Litzinger, & Gordon, 2005). به گونه‌ای که (Wilson, & McAndrew, 2000) مسایل جنسی را به عنوان جنبه‌ای مهم و طبیعی از زندگی شخصی افراد توصیف می‌کنند و آن را فراتر از یک رفتار جنسی صرف می‌دانند. روابط جنسی با تأثیر بر افکار و احساسات زوجین می‌تواند به گونه مستقیم و غیر مستقیم روابط بین آن‌ها را در ابعاد و سیعی تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، شناخت و مطالعات تمایلات و رفتارهای جنسی انسان یکی از

مهم‌ترین مسایل بهداشت عمومی بویژه بهداشت روان است (Kaler, 2006; Ayling, 2008; Ussher, 2012; Sutherland). امروزه توجهی فزاینده به سمت کاربرد رویکردهای شناختی برای درمان جنسی بوجود آمده است. منابع بسیاری وجود طرحواره‌های شناختی منفی و خطا در پردازش داده‌ها در افراد با مشکلات جنسی را تأیید کرده‌اند (Kerry, 1986; Rosen, 1994; Leiblome, & Specter; McCarthy; Weinse, & Meisler, 1993; Donaghue, 2009). مطالعات گذشته حاکی از آن است که ابعاد عشق بر روابط جنسی افراد تأثیر دارند و به نظر می‌رسد که در مورد زنان این امر نمودی بیش‌تر داشته باشد. چرا که وجود و حضور عشق همیشه یکی از مؤلفه‌های روابط جنسی برای زنان بشمار می‌رود. در حالی که در مورد مردان این امر همیشه تأیید نشده است. از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهند تعهد مذهبی و مقدار وفاداری به ارزش‌های مذهبی می‌تواند بر طرحواره‌های جنسی، مقدار و مولفه‌های عشق زنان تأثیر بگذارد و اثرات این روابط را تعدیل و تحت تأثیر قرار دهد. در مورد این اثرات نیز شاید بتوان گفت که زنان در طرحواره‌های جنسی خود معمولاً از منابع مذهبی الگو می‌گیرند و به مقداری بیش‌تر باورهای مذهبی خود را در امور عشق و روابط جنسی دخالت می‌دهند. در حالی که ظاهراً در مورد گروه مردان این امر نیز نشان داده نشده است و به نظر می‌رسد که مردان تعهدات مذهبی را از طرحواره‌های جنسی و مؤلفه‌های عشق مجزا می‌دانند. داده‌های بدست آمده از این مطالعه می‌تواند برای مشاوران خانواده و روان‌شناسانی که با زوجین کار می‌کنند، مفید باشد. هم‌چنین، مطالعات آینده می‌توانند درستی داده‌های پژوهش را مورد بررسی قرار دهند و پژوهش را در نمونه‌های دیگر اجرا کنند روی هم رفته، افزایش گستره چنین پژوهش‌هایی می‌تواند در پیشگیری بسیاری از مشکلات جنسی که معمولاً افراد از ابراز آن احساس شرم می‌کنند و با گریز از این مسایل باعث از هم پاشیدگی کانون خانواده می‌شوند، مؤثر باشد. از جمله محدودیت‌های این پژوهش این بود که داده‌ها از طبقه متوسط و نسبتاً سالم و فقط از یک جامعه خاص گردآوری شده‌اند و نمی‌توان نتایج را به جامعه‌های دیگر با ویژگی‌های بسیار متفاوت از این نمونه تعمیم داد. بنابراین، امید است که مطالعات آینده بر نتایج این پژوهش با استفاده از نمونه‌هایی بزرگ‌تر، با تنوعی بیش‌تر و طرح‌های پژوهشی با کنترل بیش‌تر ایجاد شود.

References

- Acevedo, B. P., & Aron, A. (2009). Does a long-term relationship kill romantic love? *Review of General Psychology*, 13(1), 59-65.
- Ahmetoglu, G. Swami, V. & Chamorro-Premuzic, T. (2010). The Relationship Between Dimensions of Love, Personality, and Relationship Length. *Arch Sex Behav* (39): 1181-1190.
- Amanelahe, A. Heydarianfar, N. & Aghaeiyan, B. (1389). Investigate the relationship between some antecedents and consequences of sexual satisfaction in married women university students Shahid Chamran, thesis advisers, Shahid Chamran University.
- Andersen, B. L. & Cyranowski, J. M. (1994). Women's sexual self-schema. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 1079-1100.
- Andersen, B. L. Cyranowski, J. M. & Espindle, D. (1999). Men's sexual self-schema. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, 645-661.
- Ayling, K. & Ussher, J.M. (2008). "If sex hurts, am I still a woman?" the subjective experience of vulvodynia in hetero-sexual women. *Arch Sex Behav*; 37: 294-304.
- Begue, L. (2002). Beliefs in justice and faith in people: just world, religiosity and interpersonal trust. *Personality and Individual Differences*, 32, 375 - 382.
- Benjamin, M.R. (2006). Does religion in fluency patent starts faction, am health behave. 301, 85-91.
- Berscheid, E. (2010). Love in the fourth dimension. *Annual Review of Psychology*, 61, 1-25.
- Bradbury, T. & Graves, J. (1391). Emotional intelligence tests. (Translated by Mehdi Ganji). Tehran: Salavan. (date dispersion title main 2005).
- Buck, R. (2007). The evolutionary based of social and moral emotions: Dominance, submission, and true love. *Sydney Symposium of Social Psychology Series*, 9, 89-106.
- Court, D., & Givon, S. (2003). Group intervention: Improving social skills of adolescents with learning disabilities. *Teaching Exceptional Children*, 36(2), 46-51.
- Danesh, A. (1383). examines the relationship between marital satisfaction with sexual relationship satisfaction couple, the first National Congress of Family Pathology in Iran (abstracts), Family Research Institute shahid Beheshti University in Tehran.
- De Munck, V. C. Korotayev, A. De Munck, J. & Khaltourina, D. (2011). Cross-cultural analysis of models of romantic love among U.S. residents, Russians, and Lithuanians. *Cross-Cultural Research*, 45(2), 128-154.

- Dion, K. K. & Dion, K. L. (1993). Individualistic and collectivistic perspective on gender and the cultural context of love and intimacy. *Journal of Social Issues*, 49, 53-59.
- Donaghue, N. (2009). Body satisfaction, sexual self-schemas and subjective well-being in women. *Body Image* (6) 37-42.
- Emanuele, E. Politi, P. Bianchi, M. Minoretti, P. Bertona, M. & Geroldi, D. (2006). Raised plasma nerve growth factor levels associated with early-stage romantic love. *Psychoneuroendocrinology*, 31, 288-294.
- Emil, M.L.N.G. & Jackie, Y.W.C. (2007). Prevalence and Biopsychosocial Correlates of Erectile Dysfunction in Hong Kong: A Population-Based Study July. *Urology*, 70(1):131-36.
- Engels, G. Olson, K.R. & 9merica, C. (2002). The personality of love: fundamental motives and traits related to components of love. *Journal of personality and individual Differences*, 32, 839-853.
- Feng, D. & Baker, L. (1994). Spouse similarity in attitudes, personality, and psychological well-being. *Behavior Genetics*, 24, 357-364.
- Ghamranei, & Sadat Jafar Tabatabai (1385). investigate the relationships romantic Iran couples and its relations with marital satisfaction and demographic factors. *News Journal of Consulting Researchs*, Volume 5, Issue 17, Pages -95,109.
- Glasier, A. Gulmezolglu, A.M. Schmid, G.P. Moreno, C.G. & Van, L.P.F. (2006). Sexual and reproductive health: A matter of life and death. *The Lancet*, 368, 9547, 1595-1607.
- Gordon, R. M. (2006). What is love? Toward a unified model of love relations. *Issues in Psychoanalytic Psychology*, 28, 25-34.
- Griffiths, M. (2007). The psychology of love. *Psychology Review*, 12, 5-6.
- Hatfield, E., & Rapson, R.L. (2002). Passionate love and sexual desire: Cultural and historical perspectives. In A. L. Vangelisti, H. T. Reis, & M. A. Fitzpatrick (Eds.), *Stability and change in relationships* (pp. 304-324). Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Kaler, A. (2006). Unreal women: Sex, gender, identity, and lived experience of vulvar pain. *Fem Rev*; 82: 50-75.
- Kidwell, J. E.M. (2009). Exploring the relationship between religious commitment and forgiveness through quantitative and qualitative study. *Graduate Theses and Dissertations*. Paper 10891.
- Klaassen, M. Ter Kuile, M.M. (2009). Development and initial validation of the vaginal penetration cognition questionnaire (VPCQ) in a sample of women with vaginismus and dyspareunia. *J Sex Med*; 6: 1617-27.

- Koenig, H. G. (2007). Spirituality and Depression: A Look at the Evidence, *Southern Medical Journal*, Vol.100, Iss.7, 737-739.
- Litzinger, S. & Gordon, K.C. (2005). Exploring relationships among communication, sexual satisfaction and marital satisfaction. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 31: 409-24.
- Lupfer, M. & Wald, K. (1985). An exploration of adults' religious orientations and the their philosophies of human nature. *Journal for Scientific Study of Religion*, 25(3), 293 – 304.
- Lyon, B. & Ebright, P. (2004). The Role of Religious/Spirituality in Cancer Patients and their Care givers. Available from: WWW.The Free Library.Com.
- McCullough, M.E., & Worthington, E.L. (1999). Religion and the forgiving personality. *Journal of Personality*, 67, 1141-1164.
- Mickley, J.R. Soeken, K. & Belcher, A. Spiritual well-being, religiousness and hope among women with breast cancer. *Image J Nurs Sch*, Winter; 24(4): 267-72.
- Moradi Organi, A. (1391). Schema sexual relationship between sexual satisfaction and marital adjustment of married teachers in Falavarjan. Isfahan University graduate thesis.
- Pazmany, M.A. Bergeron, S. Van Oudenhove, L. Verhaeghe, J. & Enzlin, P. (2013). Aspects of Sexual Self-Schema in Premenopausal Women with Dyspareunia: Associations with Pain, Sexual Function, and Sexual Distress. *International Society for Sexual Medicine. J Sex Med*; 10: 2255–2264.
- Potten, S. (1986). Divorce its causes and consequences in Hindu society. *Vikas, South Asia Books*, pp. 220.26.
- Regan, P. C. (2012). Love, college style. In R. D. McAnulty (Ed.), *Sex in college: The things they don't write home about* (pp. 119-142).
- Ryff, C. D. Singer, B. H. & Love, G. D. (2004). Positive health: Connecting well-being with biology, *Philosophical Transactions of the Royal Society of London, B Biological Sciences*, 359, 1383-1394.
- Santrock, J.W. (2008). *Life Span Development*. 11th edition. Mc Graw Hill: New York.
- Spence, S. (1386). Treatment of sexual dysfunction translated by Hassan Toozandehjani, Massoud Mohammadi, Jahanshir Tavakolizadeh, Mohamad. dahgan pour. Tehran: Couriers culture.
- Sprecher, S. & Toro-Morn, M. (2002). A study of men and women from different sides of earth to determine if men are from Mars and women are from Venus in their beliefs about love and romantic relationships. *Sex Roles: A Journal of Research*, 46(5/6), 131-147.

- Sternberg, R. J. (1997). *Love Story* (fresh look at the relationship between man and woman), translated by Ali Asghar Bahrami (1386), second edition, Tehran: Publication buds growth.
- Sutherland, O. (2012). Qualitative analysis of heterosexual women's experience of sexual pain and discomfort. *J Sex Marital Ther*; 38: 223–44.
- Swami, V. Stieger, S. Haubner, T. Voracek, M. & Furnham, A. (2009). Evaluating the physical attractiveness of oneself and one's romantic partner: Individual and relationship correlates of the love-is-blind bias. *Journal of Individual Differences*, 30, 35–43.
- Tjeltveit, A. C. (2006). Psychology's love-hate relationship with love: Critiques, affirmations, and Christian responses. *Journal of Psychology and Theology*, 34, 8–22.
- Vangelisti, A. & Perlman, D. (Eds.). (2006), *The Cambridge handbook of personal relationships*. New York, NY: Cambridge University Press.
- Westheimer, C. R. & Lopater, S. (2005). *Human Sexuality: A Psychosocial Perspective*. Baltimore, MD: Lippincott Williams & Wilkins.
- Worthington, E. L. Jr. Sandage, S. J. & Berry, J. W. (2000). Group interventions to promote forgiveness: What researchers and clinicians ought to know. In M. E. McCullough, K. I. Pargament, & C. Thoresen (Eds.), *Forgiveness: Theory, research, and practice* (pp. 228-253). New York, New York: Guilford Press.
- Worthington, E. J.R. Wadfe, N.G. Hight, T, L. Mcclough, M.E. Berry, J. T. & Ripley, J. S. et al. (2003). "The religiose commitment inventory 10; Development, refinement, and validation of a brief scale for research and counseling". *Journal of counseling Psychology*, 50, 84–96.
- Zeidner, M. & Kaluda, I. (2008). Romantic love: What's emotional intelligence (EI) got to do with it? *Personality and Individual Differences*, 44, 1684–1695.